

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۲۷

آیه ۳۷

آیه و ترجمه

فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتا حسنا و کفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یمریم انی لک هذا قالت هومن عند الله ان الله یرزق من یشاء بغير حساب ۳۷

ترجمه :

۳۷ - خداوند، او ( مریم ) را به طرز نیکویی پذیرفت، و به طرز شایسته‌های، ( نهال وجود ) او را رویانید ( و پرورش داد )، و کفالت او را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا میدید. از او پرسید: ای مریم! «این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب‌روزی می‌دهد».

تفسیر :

پرورش مریم در سایه عنایت الهی

این آیه ادامه بحث آیه گذشته درباره سرگذشت مریم است، می‌فرماید: «پروردگارش او را به طرز نیکویی پذیرفت و به طور شایسته‌های (گیاه وجود) او را رویانید و پرورش داد» (فتقبلها ربها بقبول حسن و انبتها نباتا حسنا).

مادر مریم باور نمیکرد او به عنوان خدمتگزار خانه خدا (بیت المقدس) پذیرفته شود به همین دلیل آرزو داشت فرزندش پسر باشد، زیرا سابقه نداشت دختری برای این کار، انتخاب گردد، ولی طبق آیه فوق خداوند این دختر پاک را برای نخستین بار جهت این خدمت روحانی و معنوی پذیرفت.

بعضی از مفسران گفته‌اند: نشانه پذیرش او این بود که مریم بعد از بلوغ در دوران خدمتگزاری بیت المقدس هرگز عادت ماهانه ندید تا مجبور نگردد از این

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۲۸

مرکز روحانی دور شود یا اینکه حضور غذاهای بهشتی در برابر محراب او دلیلی بر این پذیرش بود.

این احتمال نیز وجود دارد که قبولی این نذر و پذیرش مریم، به صورت الهام به مادرش اعلام شده باشد.

تعبیر به «انبتها» از ماده انبات به معنی رویانیدن در مورد پرورش مریم اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی مریم است. ضمناً این جمله اشاره به نکته لطیفی دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است یعنی همانگونه که در درون بذر گلها و گیاهان استعدادهایی نهفته است که زیر نظر باغبان پرورش می‌یابد و آشکار می‌شود، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه گونه‌استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی که باغبانهای باغستان جهان انسانیتانند قرار دهد، به سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای خدا داد آشکار می‌شود، و انبات به معنی واقعی کلمه صورت می‌گیرد. سپس می‌افزاید: «خداوند زکریا را سرپرست و کفیل او قرار داد» (و کفلها زکریا).

«کفلها» از ماده «کفالت» در اصل به معنی «ضمیمه کردن چیزی به دیگری» است و به همین مناسبت به افرادی که سرپرستی کودک را به عهده می‌گیرند کافل یا کفیل گفته می‌شود، زیرا در حقیقت او را ضمیمه وجود خود می‌کنند.

این ماده هر گاه به صورت ثلاثی مجرد (کفل بدون تشدید) استعمال شود به معنی به عهده گرفتن سرپرستی و کفالت است، و هنگامی که به صورت ثلاثی مزید (کفل با تشدید) استعمال شود، به معنی برگزیدن و قرار دادن کفیل برای دیگری است.

در تاریخ آمده است، پدر مریم (عمران) قبل از تولد او چشم از جهان فرو

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۲۹

بست و مادر او را بعد از تولد به بیت المقدس نزد دانشمندان و علمای یهود آورد و گفت: این کودک هدیه به بیت المقدس است، سرپرستی او را یک نفر از شما به عهده بگیرد، و چون آثار عظمت در چهره او نمایان بود و در خاندان شایسته‌های متولد شده بود، گفتگو در میان دانشمندان بنی اسرائیل در گرفت و هر یک می‌خواست افتخار سرپرستی مریم، نصیب او شود، سرانجام

طی مراسم خاصی که شرح آن در تفسیر آیه ۴۴ همین سوره خواهد آمد، زکریا کفالت او را بر عهده گرفت.

هر چه بر سن مریم افزوده می‌شد، آثار عظمت و جلال در وی نمایانتر می‌گشت و به جایی رسید که قرآن در ادامه این آیه درباره او می‌گوید: «هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذای جالب خاصی نزد او می‌یافت» (کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا).

«محراب» محل ویژه‌ای است که در معبد برای امام آن معبد یا افراد خاصی در نظر گرفته می‌شود، و برای نامگذاری آن به این اسم‌جهاتی ذکر کرده‌اند که از همه بهتر، سه جهت زیر است:

نخست این که از ماده «حرب» به معنی جنگ گرفته شده است چون مؤمنان، در این محل به مبارزه با شیطان و هوسهای سرکش برمی‌خیزند، دیگر اینکه «محراب» اصولاً به معنی بالای مجلس است و چون محل محراب را در بالای معبد قرار می‌دهند به این نام نامیده شده است در ضمن باید توجه داشت که وضع محراب در میان بنی اسرائیل چنانکه گفته‌اند با وضع محرابهای ما تفاوت داشت آنها محراب را از سطح زمین بالاتر می‌ساختند به طوری که چند پله می‌خورد و اطراف آن مانند دیوارهای اطاق آن را محفوظ می‌کرد به طوری که افرادی که در داخل محراب بودند، از بیرون کمتر دیده می‌شدند.

سوم اینکه: محراب به معنی تمام معبد است که جایگاه مبارزه با هوای نفس و شیطان بوده است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۰

مریم تحت سرپرستی زکریا بزرگ شد و آن چنان غرق عبادت و بندگی خدا بود که به گفته ابن عباس هنگامی که نهساله شد، روزها را روزه می‌گرفت و شبها را به عبادت می‌پرداخت و آن چنان در پرهیزگاری و معرفت و شناسائی پروردگار پیش رفت که از احبار و دانشمندان پارسای آن زمان نیز پیشی گرفت.

و هنگامی که زکریا در کنار محراب او قرار می‌گرفت و برای دیدار او می‌آمد، غذاهای مخصوصی کنار محراب او مشاهده می‌کرد که از آن به تعجب می‌افتاد روزی به او گفت: «این غذا را از کجا آوردی؟» (قال یا مریم انی لک هذا). مریم در جواب گفت: «این از طرف خدا است و اوست که هر کس را بخواهد

بی حساب روزی می دهد» (قالت هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب).

اما این غذا چه نوع غذائی بوده و از کجا برای مریم آمده در آیه شرح داده نشده است ولی از روایات متعددی که در تفسیر عیاشی و غیر آن از کتب «شیعه» و «اهل تسنن» آمده استفاده می شود که آن یک نوع میوه بهشتی بوده که در غیر فصل، در کنار محراب مریم به فرمان پروردگار حاضر می شده است و این موضوع جای تعجب نیست که خدا از بنده پرهیزگارش این چنین پذیرائی کند.

این موضوع که منظور از «رزقا» غذای بهشتی باشد از قرائنی که در گوشه و کنار آیه هست نیز استفاده می شود، زیرا اولاً کلمه «رزقا» به صورت نکره، نشانه آن است که روزی خاص و ناشناسی برای زکریا بوده است. ثانیاً پاسخ مریم که این از طرف خدا است نشانه دیگری برای این مطلب می باشد ثالثاً به هیجان آمدن زکریا و تقاضای فرزندی از طرف پروردگار که در آیه بعد به آن اشاره شده قرینه دیگری برای این معنی محسوب می شود.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۱

ولی بعضی از مفسران (مانند نویسندگان المنار) معتقدند که منظور از «رزقا» همین غذاهای معمولی دنیا بوده زیرا از ابن جریر نقل شده که بنی اسرائیل گرفتار قحطی شدند و زکریا قادر بر تامین زندگی مریم نبود، در این موقع قرعهای زدند که به نام مرد نجاری افتاد و او افتخاراً از درآمد کسب خود غذای مریم را تهیه میکرد و به هنگامی که زکریا در کنار محراب او قرار میگرفت از وجود چنان غذائی در آن شرایط سخت تعجب میکرد و مریم در پاسخ سؤال او می گفت: «این از طرف خداست» یعنی خداوند، مرد با ایمانی را علاقهمند به این خدمت در آن شرایط سخت، ساخته است.

ولی همانطور که گفتیم این تفسیر، نه با قرائنی در آیه است سازگار می باشد و نه با روایاتی که در ذیل آیه وارد شده می سازد از جمله در تفسیر عیاشی روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که خلاصه اش چنین است: «روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خانه فاطمه زهرا (علیها السلام) آمد در حالی که چند روز در خانه او غذائی دیده نمیشد، ناگاه غذای فراوان مخصوصی نزد او مشاهده کرد و از او پرسید: این غذا از کجا است؟

فاطمه (علیهاالسلام) عرض کرد: از نزد خدا است، زیرا هر کس را بخواهد بدون حساب روزی میبخشد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «این جریان همانند جریان زکریاست که در کنار محراب مریم آمد و غذای مخصوصی در آنجا دید و از او پرسید: ای مریم! این غذا از کجا است، او گفت: از ناحیه خداست».

درباره جمله بغیر حساب در ذیل آیه ۲۰۲ سوره بقره و در این سوره ذیل آیه ۲۷ بحث کرده‌ایم.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۲

آیه ۳۸ - ۴۰

آیه و ترجمه

هنالک دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة طيبة انک سمیع الدعاء  
۳۸

فنادته الملائكة و هو قائم یصلی فی المحراب ان الله یشرک بیحیی مصدقا  
بکلمة من الله و سیدا و حصورا و نبیا من الصالحین ۳۹  
قال رب انی یكون لی غلم و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر قال کذلک الله یفعل  
ما یشاء ۴۰

ترجمه :

۳۸ - در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را میشنوی!

۳۹ - و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد، (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می‌کند، و رهبر خواهد بود، و از هوسهای سرکش بر کنار، و پیامبری از صالحان است.

۴۰ - او عرض کرد: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازاست؟ فرمود: بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد.

تفسیر :

زکریا و مریم

این آیات گوشه‌ای از زندگی پیامبر الهی، زکریا را در ارتباط با داست

بیان می کند.

سابقا گفتیم، همسر زکریا و مادر مریم خواهر یکدیگر بودند و اتفاقا هر دو در آغاز، نازا و عقیم بودند، هنگامی که مادر مریم از لطف پروردگار، صاحب چنین فرزند شایسته ای شد و زکریا اخلاص و سایر ویژگیهای شگفت آور او را دید، آرزو کرد که او هم صاحب فرزندی پاک و با تقوا همچون مریم شود، فرزندی که چهره اش آیت و عظمت خداوند گردد، و با اینکه سالیان درازی از عمر او و همسرش گذشته بود، و از نظر معیارهای طبیعی بسیار بعید به نظر می رسید که صاحب فرزندی شود، ولی ایمان به قدرت پروردگار و مشاهده وجود میوه های تازه در غیر فصل، در کنار محراب عبادت مریم، قلب او را البریز از امید ساخت که شاید در فصل پیری، میوه فرزند بر شاخسار وجودش آشکار شود، به همین دلیل هنگامی که مشغول نیایش بود از خداوند تقاضای فرزند کرد، و آنگونه که قرآن در نخستین آیه فوق می گوید: در این هنگام زکریا پروردگار خویش را خواند و گفت: پروردگار! فرزند پاکیزه ای از سوی خودت به من (نیز) عطا فرما که تو دعا را می شنوی و اجابت می کنی (هنالك دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة طيبة انک سمیع الدعاء).

در این موقع فرشتگان به هنگامی که او در محراب ایستاده و مشغول نیایش بود، وی را صدا زدند که خداوند تو را به یحیی بشارت می دهد، در حالی که کلمه خدا (حضرت مسیح) را تصدیق می کند و آقا و رهبر خواهد بود، و از هوی و هوس بر کنار و پیامبری از صالحان است (فنادته الملائكة و هو قائم یصلی فی المحراب).

ان الله یبشرك بیحیی مصدقا بکلمة من الله و سیدا و حصورا و نبیا من الصالحین).

نه تنها خداوند اجابت دعای او را به وسیله فرشتگان خبر داد، بلکه پنج وصف از اوصاف این فرزند پاکیزه را بیان داشت: نخست اینکه او به کلمه من الله حضرت مسیح (علیه السلام) ایمان می آورد، و با ایمان و حمایت از او سبب تقویت مسیح (علیه السلام) می گردد (توجه داشته باشید که منظور از کلمه در اینجا

به قرینه آیه ۴۵ همین سوره و ۱۷۱ سوره نساء، حضرت مسیح (علیه السلام) است و سبب این تعبیر به زودی روشن خواهد شد).

همانگونه که در تاریخ آمده است، یحیی شش ماه از عیسی (علیه السلام) بزرگتر بود و نخستین کسی بود که نبوت او را تصدیق کرد و به سوی او دعوت نمود، و چون در میان مردم به زهد و پاکدامنی، اشتہارتام داشت گرایش او به مسیح (علیه السلام) اثر عمیقی در توجه مردم به او گذاشت.

دوم اینکه او مقام سیادت و رهبری از نظر علم و عمل خواهد داشت و سوم اینکه او خود را از هوی و هوسهای سرکش و آلودگی به دنیا پرستی حفظ می کند، این معنی از واژه «حصور» استفاده می شود.

واژه «حصور» از حصر به معنی حبس گرفته شده است، در اینجا به معنی کسی است که خود را از هوی و هوس، منع کرده است، این واژه گاه به معنی کسی که خودداری از ازدواج می کند نیز آمده به همین دلیل جمعی از مفسران آن را به همین معنی تفسیر کرده اند، و در پاره ای از روایات نیز به آن اشاره شده است.

چهارم و پنجم اینکه او پیامبر بزرگی خواهد بود (توجه داشته باشید که نبیا به صورت نکره آمده که در اینجا برای عظمت است) و از صالحان و شایستگان خواهد بود.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۵

زکریا از شنیدن این بشارت به وسیله فرشتگان، غرق شادی و سرور شد و در عین حال نتوانست شگفتی خود را از چنین موضوعی پنهان کند، عرض کرد: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که پیری به من رسیده و همسر من ناز است (قال رب انی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر).

در اینجا خداوند به او پاسخ داد و فرمود: اینگونه خداوند هر کاری را که بخواهد انجام می دهد (قال کذلک الله یفعل ما یشاء).

و با این پاسخ کوتاه که تکیه بر نفوذ اراده و مشیت الهی داشت، زکریا قانع شد.

**نکته ها**

#### ۱- آیا ترک ازدواج فضیلت است؟

نخستین سوالی که در اینجا پیش می آید، این است که اگر حصورا به معنی ترک کننده ازدواج باشد آیا این عمل برای انسان امتیازی محسوب می شود که

درباره یحیی آمده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً هیچگونه دلیل قاطعی بر اینکه منظور از حضور در آیه ترک کننده ازدواج است در دست نیست.

و روایتی که در این زمینه نقل شده از نظر سند مسلم نمی باشد. و هیچ بعید نیست که حضور در آیه به معنی ترک کننده شهوات و هوسها و دنیاپرستی و صفتی همانند زهد بوده باشد.

ثانیاً ممکن است یحیی نیز همانند عیسی بر اثر شرایط خاص زندگی و اجبار به سفرهای متعدد برای تبلیغ آیین خدا ناچار به مجرد زیستن بوده است. این یک قانون کلی برای همه نمی تواند باشد و اگر خداوند او را به این صفت می ستاید به خاطر این است که او بر اثر شرایط خاصی ازدواج نکرد ولی در عین

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۶

حال توانست خود را از گناه حفظ کند و به هیچ وجه آلوده نشود، به طور کلی قانون ازدواج، یک قانون فطری است و در هیچ آیینی ممکن نیست حکمی بر خلاف این قانون فطری، تشریع گردد، بنابراین نه در آیین اسلام و نه در هیچ آیین دیگری ترک ازدواج، کار خوبی نبوده است.

#### ۲- یحیی و عیسی (علیهما السلام)

واژه یحیی از ماده حیات به معنی زنده می ماند است، که به عنوان نام برای این پیامبر بزرگ انتخاب شده است و منظور از زندگی، هم زندگی مادی و هم معنوی در پرتو ایمان و مقام نبوت و ارتباط با خدا است و چنانکه از این آیه و آیه ۷ سوره مریم استفاده می شود، این نام را خداوند پیش از تولد برای او انتخاب کرد: «یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمہ یحیی لم نجعل له من قبل سمیا» (ای زکریا ما تو را بشارت به فرزندی می دهیم که نامش یحیی است و پیش از او همانمی برایش قرار ندادیم).

ضمناً از جمله اخیر استفاده می شود که نام مزبور نام بی سابقه ای بوده است. همانطور که از آیات گذشته استفاده شد تقاضای تولد یحیی بعد از مشاهده پیشرفتهای سریع معنوی مریم به وسیله زکریا انجام شد.

و جالب توجه اینکه بر اثر این دعا خداوند فرزندی به زکریا داد که از جهات زیادی شباهت به فرزند مریم، عیسی داشت. از جهت نبوت در کودکی، و از جهت مفهوم اسم (عیسی و یحیی هر دو از نظر لغت به معنی زنده می ماند است) و از نظر درود فرستادن خداوند بر آنها در مراحل سه گانه تولد، مرگ و



حشر و از جهات دیگر.

۳ - در آیات فوق زکریا به هنگام شرح پیری خود می گوید: و قد بلغنی الکبر (پیری به سراغ من آمده) ولی در آیه ۸ سوره مریم از قول اومی خوانیم: و قد بلغت من الکبر عتیا، (من به آخرین مرحله پیری رسیده ام). این اختلاف در تعبیر به خاطر آن است که همانطور که انسان به سوی پیری

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۷

می رود گویا پیری و مرگ هم از طرف مقابل به سراغ او می آید چنانکه علی (علیه السلام) می فرماید: اذا كنت فی ادبار و الموت فی اقبال فما اسرع الملتقى: (چون که تو به سوی پایان عمر می روی و مرگ به سوی تو می آید چه زود به یکدیگر خواهید رسید).

۴ - «غلام» از نظر لغت به معنی پسر جوان است. و «عاقراً» از واژه «عقر» به معنی ریشه و اساس یا به معنی حبس است و اینسکه به زنان نازا عاقر می گویند یا به خاطر آن است که کار آنان به پایان رسیده و یا اینکه از نظر تولد فرزند محبوس گشته اند.

۵ - در اینجا سوالی پیش می آید که تعجب و شگفتی زکریا با توجه به قدرت بی پایان پروردگار برای چه بود؟.

ولی با توجه به آیات دیگر قرآن پاسخ آن روشن است. او می خواست بداند که از یک زن نازا که حتی سالها پیش دوران قاعدگی را پشت سر گذاشته بود چگونه ممکن است، فرزندی متولد شود؟ چه تغییراتی در وجود او پیدا می شود آیا بار دیگر همچون زنان جوان و میان سال عادت ماهانه می بیند یا به طرز دیگر آماده پرورش فرزند می شود.

به علاوه ایمان به قدرت خداوند غیر از شهود و مشاهده است. او در حقیقت می خواست در اینجا ایمانش به مرحله شهود برسد و همانند ابراهیم که ایمان به معاد داشت و تقاضای شهود می کرد می خواست به چنین مرحله ای از اطمینان نایل گردد و این طبیعی است که هر انسانی هنگامی که با مساله ای بر خلاف قوانین طبیعت مواجه می شود در فکر فرو می رود و تمایل پیدا می کند که یک نشانه حسی برای آن بیابد.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۸

## آیه و ترجمه

قال رب اجعل لی آیه قال ایتک الا تکلم الناس ثلثة ایام الا رمزا واذکر ربک  
کثیرا و سبح بالعشی و الابکار

ترجمه :

۴۱ - (زکریا) عرض کرد: پروردگارا! نشانهای برای من قرار ده! گفت: نشانه  
تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و  
زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفتگو با مردم از کار می افتد).  
پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح  
و شام، او را تسبیح بگو!

تفسیر :

## بشارت تولد یحیی

سخن از زکریا و درخواست فرزندى از سوى او از پیشگاه خدا و بشارت به تولد  
یحیی بود.

در اینجا زکریا از خداوند تقاضای نشانهای بر این بشارت بزرگ می کند و  
چنانکه گفتیم نه به خاطر عدم اعتماد بر وعده های الهی، بلکه برای تاکید  
بیشتر و اینکه ایمان او به این مطلب ایمان شهودی گردد، تا قلبش مالا مال از  
اطمینان شود، همانگونه که ابراهیم خلیل تقاضای مشاهده صحنه معاد برای  
آرامش هر چه بیشتر قلب می نمود.

زکریا عرضه داشت: پروردگارا! نشانهای برای من قرار ده (قال رب اجعل لی  
آیه).

در پاسخ خداوند به او گفت: نشانه تو آن است که سه روز با مردم جز به اشاره و  
رمز، سخن نخواهی گفت و زبان تو بدون هیچ عیب و علت برای گفتگوی با  
مردم از کار می افتد (قال ایتک الا تکلم الناس ثلثة ایام الارمزا).  
ولی پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳۹

صبحگاهان او را تسبیح گوی (و اذکر ربک کثیرا و سبح بالعشی و الابکار).  
از این جمله استفاده می شود در حالی که زبان او به طور موقت، برای سخن  
گفتن با مردم از کار افتاده بود، قادر بر تسبیح و ذکر خدا بود، تا هم وظیفه  
شکرگذاری را نسبت به این موهبت عظیم که خدا به او عنایت کرده بود انجام  
دهد و هم نشانه روشنی از خداوند بزرگ بر گشودن موضوعات بسته باشد، یا

به تعبیر دیگر بریدن از مردم و پیوستن به حق در این سه روز، او را به خدا نزدیک‌تر کند و آیت و نشانه روشنی از قدرت خدا باشد.

«(رمز)» در اصل اشاره کردن با لبها را گویند، به صدای آهسته نیز رمزگفته می‌شود، این واژه در گفتگوهای معمولی، معنی وسیع‌تری پیدا کرده و به هر سخن و اشاره و نشانه‌ای که مطلبی را مخفیانه یا به طور غیر صریح برساند، رمز می‌گویند.

به هر حال خداوند در خواست زکریا را پذیرفت و سه شبانه روز زبان او بدون هیچ عامل طبیعی از سخن گفتن با مردم باز ماند در حالی که به ذکر خدا مترنم بود، این وضع عجیب، نشانه‌ای از قدرت پروردگار بر همه چیز بود، خدایی که می‌تواند زبان بسته را به هنگام ذکرش بگشاید، قادر است از رحم عقیم و بسته، فرزندی با ایمان که مظهر یاد پروردگار باشد به وجود آورد، و از اینجا رابطه این نشانه با آنچه زکریا می‌خواست، روشن می‌شود.

بعضی از مفسران گفته‌اند: احتمال دارد که این خودداری از سخن گفتن با مردم جنبه اختیاری داشته، و زکریا به فرمان خدا مامور بوده که در این سه روز، زبان جز به ثنای الهی نگشاید و به اصطلاح مامور به روزه سکوت بود که در بعضی از امم پیشین وجود داشته است.

فخر رازی این قول را از ابو مسلم نقل می‌کند، و آن را تفسیر زیبا و معقولی می‌شمرد ولی روشن است که این تفسیر با محتوای آیه سازگار نیست زیرا زکریا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۴۰

درخواست آیه و نشانه‌ای برای بشارت الهی کرد، و سکوت اختیاری هیچگونه دلیلی بر این معنی نمی‌تواند باشد.

واژه «عشی» معمولاً به ساعات آخر روز گفته می‌شود همانگونه که ابکار به ساعات آغاز روز می‌گویند، بعضی معتقدند که از ابتدای ظهر تا غروب آفتاب عشی نام دارد، و از ابتدای طلوع صبح تا هنگام ظهر، ابکار است. ولی راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌گوید: «عشی» از هنگام ظهر است تا صبح فردا، و ابکار از طلوع صبح است تا ظهر بنابراین عشی و ابکار، مجموع شبانه روز را شامل می‌شود، ولی همانطور که گفتیم این دو واژه معمولاً در دو معنی اول به کار می‌رود.

نکته :

در اینجا سوالی پیش می‌آید که آیا بسته شدن زبان پیامبر، با مقام نبوت و وظیفه تبلیغی او سازگار است؟

پاسخ این سوال چندان مشکل نیست زیرا این موضوع، در صورتی با وظیفه نبوت سازگار نمی‌باشد که طولانی باشد اما برای یک مدت کوتاه، مدتی که پیامبر می‌تواند در آن مدت از قوم و جمعیت خود غایب گردد و به عبادت خدا بپردازد مانعی نخواهد داشت.

به علاوه در همین مدت او می‌توانست با ایماء و اشاره مطالب لازم را به اطلاع آنها برساند و یا با تلاوت آیات پروردگار که ذکر خدا محسوب می‌شد حقایق را به آنها تفهیم کند و اتفاقاً همین کار را کرد و با اشاره، مردم را به ذکر خداوند هدایت نمود!

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۴۱

آیه ۴۲ - ۴۳

آیه و ترجمه

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین

ترجمه :

۴۲ - و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته، و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

۴۳ - ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن!

تفسیر :

مریم بانوی برگزیده الهی

این آیات بار دیگر، به داستان مریم باز می‌گردد، و از دوران شکوفایی و برومندی او سخن می‌گوید، و مقامات والای او را برمی‌شمرد.

نخست از گفتگوی فرشتگان با مریم، بحث می‌کند، می‌فرماید: به یاد آور هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است (و اذ قالت الملائكة یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین).

چه افتخاری از این برتر که انسانی با فرشتگان هم سخن شود، آن هم سخنی که

بشارت برگزیدگی او از سوی خدا و طهارت و برتری او بر تمام زنان جهان باشد، و این نبود جز در سایه تقوا و پرهیزگاری و ایمان و عبادت او، آری او برگزیده شد تا

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۴۲

پیامبری همچون عیسیای مسیح به دنیا آورد.

جالب توجه این که جمله «اصطفیک» در آیه تکرار شده یک بار برای بیان برگزیدگی او به طور مطلق و بار دوم برای برگزیدگی او نسبت به تمام زنان جهان.

این آیه گواه بر این است که مریم بزرگترین شخصیت زن در جهان خود بوده است. و این موضوع با آنچه درباره بانوی بزرگ اسلام فاطمه (علیها السلام) رسیده است که او برترین بانوی جهان است منافات ندارد زیرا در روایات متعددی از پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده که:

«اما مریم کانت سیده نساء زمانها اما فاطمة فهی سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین» (اما مریم بانوی زنان زمان خود بود اما فاطمه بانوی همه بانوان جهان از اولین و آخرین است).

کلمه «العالمین» هیچگونه منافات با این سخن ندارد زیرا این کلمه در قرآن و عبارات معمولی به معنی مردمی که در یک عصر و زمان زندگی می کنند آمده است چنانکه درباره بنی اسرائیل می خوانیم: «وانی فضلتکم علی العالمین» و من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم (بدیهی است منظور، برتری مومنان بنی اسرائیل بر مردم عصر خود بوده است).

در آیه بعد سخن از خطاب دیگری از فرشتگان به مریم است، می گویند: ای مریم! (به شکرانه این نعمتهای بزرگ که از سوی خداوند برگزیده شده‌ای و بر زنان جهان عصر خود برتری یافته‌ای و از هر نظر پاک و پاکیزه گشته‌ای) برای پروردگارت سجده کن و همراه رکوع کنندگان رکوع نما (یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۴۳

ارکعی مع الراكعین).

در اینجا سه دستور از طرف فرشتگان به مریم داده شده: نخست «قنوت»

در برابر پروردگار و این واژه همانطور که سابقا اشاره کردیم به معنی خضوع و دوام اطاعت است، و دیگر «سجود» که آن نیز نوعی از خضوع کامل در برابر خدا است و دیگر «رکوع» که آن هم نوع دیگری از خضوع و تواضع می باشد. جمله «و ارکعی مع الراکعین» (با رکوع کنندگان رکوع کن) ممکن است اشاره به نماز جماعت بوده باشد، و نیز ممکن است اشاره به پیوستن به جمعیت نمازگزاران و خاضعان در برابر خدا باشد، یعنی همانطور که دیگر بندگان خالص خدا برای او رکوع بجا می آورند، تو نیز رکوع کن. در این آیه نخست اشاره به سجده و سپس اشاره به رکوع شده است، و این نه به خاطر آن است که در نماز آنها سجده قبل از رکوع انجام می گرفته بلکه منظور انجام هر دو عبادت است و نظری به ترتیب آنها نیست مثل این است که بگوییم نماز بخوان و وضو بگیر و پاکیزه باش یعنی همه این وظایف را انجام بده زیرا عطف کردن با و او دلالتی بر ترتیب ندارد، به علاوه رکوع و سجود در اصل به معنی تواضع و خضوع است و رکوع و سجود معمولی یکی از مصادیق آن محسوب می شود.

